

	
<div>هرمزگان شناسی</div>	

آثار تاریخی و شهرستان های استان

می باشد که مساحتی بالغ بر ۲۰ هکتار را شامل می شود

کیش جزیره کیش حدود ۹۰ کیلومتر مربع مساحت دارد فاصله آن از راه دریایی تا بندرعباس ۲۰۰ کیلومتر و جزیره قشم ۲۵۵ کیلومتر می باشد . جزیره مرجانی کیش یکی از جذاب ترین جزایر خلیج فارس بوده و از طبیعیت زیبا ، سبز و منحصر به فرد با سواحل آرام ، ماسه های مرجانی ، آب زلال و دریای شفاف با انواع ماهیهای رنگارنگ و تزئینی برخوردار می باشد .

- ابوموسی**

شهرستان ابوموسی ، جنوبی ترین شهرستان کشور ایران محسوب می شود و مجموعه ای از جزایر تنب بزرگ ، تنب کوچک ، فارور و سیری را داراست . سواحل بکر و ماهیهای زیبا و رنگارنگ از جاذبه های این شهرستان است.

- بستک**

شهرستان بستک در شرق بندرعباس قرار دارد و دارای فرهنگ و تاریخی غنی است.از جاذبه های گردشگری آن می توان به حمام بستک ، کاروانسرا و بازار قدیم بستک اشاره کرد.

- فین**



فین یکی از بخشهای شهرستان بندرعباس است و در ۹۰ کیلومتری شمال بندرعباس واقع است. از پتانسیلهای گردشگری این بخش می توان به جاذبه های طبیعی (چشمه رودخانه ، آبشار و نخلستانهای منترام) جاذبه های تاریخی (قلعه فین و آسیاب) و مجموعه استخر اشاره نمود .

آثار تاریخی

آثار تاریخی زیادی در استان هرمزگان باقی مانده است که در ذیل به عنوان نمونه به مواردی از آنها اشاره کوتاه می شود.

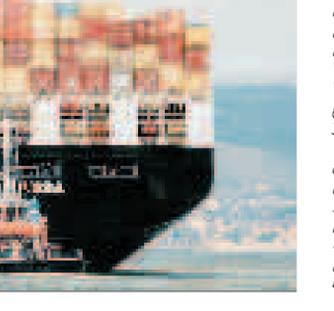
۱-مهدیهودها

ساختمان این معبد در سال ۱۳۱۰ ه.ق . در زمان حکومت محمد حسن خان سعد الملک احداث شده است. اساس ساختمان این معبد عبارت است از یک اتاق چهار گوش میانی که بر روی آن گنبدی قرارگرفته است . سبک معماری این گنبد رامقرنس های پیرامون آن از گنبدهای سراسر ایران متفاوت ساخته است. طرح این بنا کاملاً از معماری معابد هندی متأثر است .

۲-قلعه هزاره

تنها بنای تاریخی شهرستان میناب ، قلعه ای است موسوم بوده است . در اطراف آن خندقی کنده شده بود و صد سرباز در قلعه مستقر بوده و نگهبانی می داده اند .

تاریخچه شهر بندرعباس



شهرستان بندر عباس در شمال تنگه هرمز قرار دارد. وسعت آن ۲۷۲۱۶ کیلومتر مربع است. این شهرستان از سمت شمال به شهرستان حاجی آباد و از سمت شرق به شهرستانهای میناب و رودان ازغرب به شهرستان بندر لنگه و از جنوب به خلیج فارس و جزیره قشم محدود می باشد.
شهر بندر عباس مرکز شهرستان بندرعباس است. وسعت این شهر که در ساحل خلیج فارس واقع شده است حدود ۴۵ کیلومتر مربع و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۰ متری می باشد.
نزدیکترین شهر به بندرعباس شهر قشم(مرکز جزیره قشم) با حدود ۲۸ کیلومتری می باشد. فاصله بندر عباس تا تهران ۱۳۲۳ کیلومتر می باشد.
آب و هوا
و هوای این شهر گرم و مرطوب است. فصل تابستان در این شهر نزدیک ۱ ماه از سال ادامه دارد.
جمعیت

دیدها

شنیده ها

بقیه

جریانات سیاسی

- خاطرات میرزا ابولقاسم خان کحال زاده**

(منشی سفارت امپراتوری آلمان در ایران)

در این کتاب مشکلات ایران در جنگ بین

المللی ۱۹۱۸-۱۹۱۴ و غارت و چپاول

بیگانگان بر سرزمین پهنوار ایران بررسی

شده است تا نسل جوان و پوینده ما از

جفاهایی که بر ایران وارد شده آگاه شوند

بدانند در طول تاریخ چه وقایعی رخ داده

است.

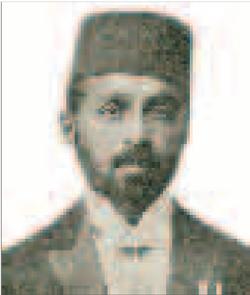
- با تشکر از فریدون دبیری

اولا یکبار در زمان حیات پدرم ،برادرم را خود «مکتزایلبرگ» عمل کرد.(برادرم ابوالحسن خوان آهنین دچار غده در گلو بودند)بعد از مرگ پدرم و قبل از ورود من بسفارت آلمان بار دیگر همین مرض ،بر برادرم مستولی شد و باز بنا بر سابقه به مرضخانه دولتی رفتم و آقای “دکتر ایلبرگ” عمل جراحی را انجام داد.

مگر اینکه در این تاریخ تمام اطاقهای بیمارستان پر از مرضیهای نظامی یعنی اطریشی و هنگری بود. اینها نظامیان اطریشی و هنگری بودند که در اطریش شرقی از قوای روس در بدو جنگ شکست خورده و اسیر شده بودند -دولت تزاری روس ، این نظامیان اسیر را به عشق آباد ترکستان فرستاده بود ، که هم زندانی باشند و هم کار کنند .

ولی چون بسرحد ایران نزدیک بودند و شنیده بودند که ایرانیان به آنها کمک می کنند . و الحق بمحض ورود به ایران ،از طرف روسای عشایر آن حدود،مخصوصا سردار مغزز بجنوردی مورد حمایت قرار گرفته به آنها پول خوراک ، حتی اسب می دادند و آنها را به تهران می فرستادند و در این جا با کمک سفارت اطریش به بغداد و مملکت عثمانی می رفتند .

فقط چون راه دور و اسرا مدتی در روسیه سختی کشیده بودند عده ای زیاد مریض شده بودند و کلیه این مرضا در مرضخانه دولتی تحت درمان قرار گرفته بودند جمعی از ایرانیان همه روزه عصر بدین مرضا می آمدند و با اجازه اولیای مرضخانه ، میوه و خوراکیهای مجاز برای آنان می آوردند.



■ **میرزا ابولقاسم خان کحال زاده**

قسمت هشتاد و سوم

دسته دسته از عشق آباد به ایران فرار

می کردند و الحق بمحض ورود به ایران

از طرف روسای عشایر آن

حدود، مخصوصا سردار مغزز بجنوردی

مورد حمایت قرار گرفته به آنها پول

و خوراک ، حتی اسب می دادند و آنها را

به تهران می فرستادند



منهم که آلمانی می دانستم ، با اغلب آنها صحبت می کردم و در حدود استعداد خود کمکهایی به آنها می کردم و بعد از اینکه برادرم معالجه و از مرضخانه خارج شد ، باز هم اغلب به مرضخانه سر می زدم.

- کابینه محمد ولی خان سهدار اعظم**

در اواخر کابینه “قرمانقرما” که جمعا دو ماه بیشتر طول نکشید ،بین روس و انگلیس برسر این لقمه لذیذ نفاق افتاد و روسها موجدات سقوط کابینه “قرمان قرما” را فراهم آوردند . بدین ترتیب که عده ای از طلبکاران دولت ، که مستمری آنها مدتی بود پرداخته نشده بود ، به تحریک آقای امین الوزاره بسفارت روس در زرگنده رفته و متحشد شدند و فرمان قرما” وقتی دید روسها جدا با او سر مخالفت دارند ،در تاریخ سه شنبه ۲۵ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۰ حوت (اسفند)۱۲۹۴(او برابر ۲۹فوریه ۱۹۱۶)استعفا کرد آقای “امین الوزاره” که موجدات سقوط کابینه “قرمان قرما” را فراهم کرد ، در سر چهار راه ستاد ارتش فعلی ،که سابقا عمارت ستاد قزاق خانه بود خانه داشت که بالاخانه آن مشرف بجایبان قوام السلطنه بود، و اغلب متفقدین صبح و عصر در آن بالا خانه جمع می شدند و به مقتضای سیاست روز بحث می کردند .

من هم به آن خانه راه یافتم ، وقتی دو سه ماه

بعد قوای عثمانی کرمانشاهان را گرفت و رو به همدان آمد روزی به اصرار “امین الوزاره” آقای “عباسعلی خان شوکت” و من ، به منزل “امین الوزاره رفتم او از هر دری صحبت می کرد و از سیاست های گذشته تکذیب می کرد “خان شوکت از مدتها قبل او را می شناخت و با او آمد و رفت هم داشت .

ولی در این موقع ،من باب نرنجاندن “امین الوزاره” به اتفاق به منزل او رفتم و بحث سیاسی هم روی کلیات بود و الا نه او دست از سهپسالار و سیاست روس بر میداشت و نه ما می توانستیم بر خلاف ملیون و هواداران آلمانها و عثمانیها بشمارالیه کمک کنیم.

آقای “امین الوزاره” تا بعد از کودتا هم ، در همان بالاخانه مشغول پذیرائی و جای و قلیان براه بود . قنارههای بسیار زیبا و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

بخاطر دروغه قلمکار می پوشید و تا اواخر عمر هر وقت من را در خیابان می دید یادی از آن ایام می کرد و من را دکتر زاده خطاب می کرد .

آقای سهپسالار در تاریخ ۲۸ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۳ اسفند۱۲۹۴برایرسوم مارس ۹۱۱۶مامور تشکیل کابینه شد و دو روز بعد اشخاص زیر را به عضویت کابینه تعیین و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

بخاطر دروغه قلمکار می پوشید و تا اواخر عمر هر وقت من را در خیابان می دید یادی از آن ایام می کرد و من را دکتر زاده خطاب می کرد .

آقای سهپسالار در تاریخ ۲۸ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۳ اسفند۱۲۹۴برایرسوم مارس ۹۱۱۶مامور تشکیل کابینه شد و دو روز بعد اشخاص زیر را به عضویت کابینه تعیین و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

بخاطر دروغه قلمکار می پوشید و تا اواخر عمر هر وقت من را در خیابان می دید یادی از آن ایام می کرد و من را دکتر زاده خطاب می کرد .

آقای سهپسالار در تاریخ ۲۸ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۳ اسفند۱۲۹۴برایرسوم مارس ۹۱۱۶مامور تشکیل کابینه شد و دو روز بعد اشخاص زیر را به عضویت کابینه تعیین و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

آقای سهپسالار در تاریخ ۲۸ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۳ اسفند۱۲۹۴برایرسوم مارس ۹۱۱۶مامور تشکیل کابینه شد و دو روز بعد اشخاص زیر را به عضویت کابینه تعیین و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

آقای سهپسالار در تاریخ ۲۸ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۳ اسفند۱۲۹۴برایرسوم مارس ۹۱۱۶مامور تشکیل کابینه شد و دو روز بعد اشخاص زیر را به عضویت کابینه تعیین و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

آقای سهپسالار در تاریخ ۲۸ربیع الثانی ۱۳۲۴مطابق ۱۳ اسفند۱۲۹۴برایرسوم مارس ۹۱۱۶مامور تشکیل کابینه شد و دو روز بعد اشخاص زیر را به عضویت کابینه تعیین و خواننده داشت. درو دیوار خانه اش اشیاء لوکس و انتیک چیده بود و برای هر یک هزاران حکایت و افسانه داشت برادری هم داشت که یکی از کارمندان عالی رتبه وزارت دارائی بود و علاقه مفرضی داشت از پارچه وطن لباس تهیه نماید .

	
<div>مردان تاریخ</div>	

شیخ محمد عبده " محقق "

■ شیخ محمد عبده از جمله شخصیت‌های علمی و سیاسی و مذهبی اسلام و چهره آشنای زمان ماست . این مرد بزرگ که از مفاخر اسلام به شمار می آید ، علاوه بر مبارزات سیاسی خود در مصر و سردبیری مجله عروه الوثقی که در پاریس منتشر می شد ، نسبت به شناسایی اسلام در اروپا سهم مهمی به عهده داشت .

وی دارای تالیفاتی چون شرح نهج البلاغه و رساله التوحید و شرح مقامات بدیع الزمان همدانی بوده و استاد دانشگاه الازهر بوده است . ما در اینجا خلاصه‌ای از شرح زندگی این مرد بزرگ جهان اسلام را از زبان شاگردش مرحوم مصطفی عبدالرزاق به ترجمه کامل خلخالی می آوریم :

شیخ محمد عبده در مرحله نصریکی از دهات مرکزی بخش بحیره یا به جهان هستی گذاشت. پدر او مردی متدین بود و از شمار کسانی محسوب می شد که غذا را برای تقویت نیروی جسمانی و آماده شدن جهت سوار کاری و تیراندازی خوب می خوردند . در نتیجه هیئت و قدرت آنان در میان مردم بیش از ثروت و مال تجلی می نمود . شیخ قرآن را در ازگاه خویش آموخت . سپس به شهر طنظاره رفت و در انجمن دینی خودی فرا گرفتن آنرا تکمیل نمود ولی در اثر عواملی از ادامه تحصیل باز ماند و به تولدش برگشت و در آنجا مشغول کشاورزی شد و در همانجا متاهل گردید و پس از مدتی به جامع ازهر رفت و از آنجا با مردان دین از جمله جمال الدین اسد آبادی آشنا گردید . در جامع ازهر رساله واردات را درباراه آصف نوشت و شروع به نگارش مقالات سومنندی در روزنامه مصر کرد .

کم کم توجه مردم به سوی او جلب شد و دومین شخصیت بحیره یا به جهان هستی گذاشت. پدر او مردی متدین بود و از شمار کسانی محسوب می شد که غذا را برای تقویت نیروی جسمانی و آماده شدن جهت سوار کاری و تیراندازی خوب می خوردند . در نتیجه هیئت و قدرت آنان در میان مردم بیش از ثروت و مال تجلی می نمود . شیخ قرآن را در ازگاه خویش آموخت . سپس به شهر طنظاره رفت و در انجمن دینی خودی فرا گرفتن آنرا تکمیل نمود ولی در اثر عواملی از ادامه تحصیل باز ماند و به تولدش برگشت و در آنجا مشغول کشاورزی شد و در همانجا متاهل گردید و پس از مدتی به جامع ازهر رفت و از آنجا با مردان دین از جمله جمال الدین اسد آبادی آشنا گردید . در جامع ازهر رساله واردات را درباراه آصف نوشت و شروع به نگارش مقالات سومنندی در روزنامه مصر کرد .

کم کم توجه مردم به سوی او جلب شد و دومین شخصیت بحیره یا به جهان هستی گذاشت. پدر او مردی متدین بود و از شمار کسانی محسوب می شد که غذا را برای تقویت نیروی جسمانی و آماده شدن جهت سوار کاری و تیراندازی خوب می خوردند . در نتیجه هیئت و قدرت آنان در میان مردم بیش از ثروت و مال تجلی می نمود . شیخ قرآن را در ازگاه خویش آموخت . سپس به شهر طنظاره رفت و در انجمن دینی خودی فرا گرفتن آنرا تکمیل نمود ولی در اثر عواملی از ادامه تحصیل باز ماند و به تولدش برگشت و در آنجا مشغول کشاورزی شد و در همانجا متاهل گردید و پس از مدتی به جامع ازهر رفت و از آنجا با مردان دین از جمله جمال الدین اسد آبادی آشنا گردید . در جامع ازهر رساله واردات را درباراه آصف نوشت و شروع به نگارش مقالات سومنندی در روزنامه مصر کرد .

کم کم توجه مردم به سوی او جلب شد و دومین شخصیت بحیره یا به جهان هستی گذاشت. پدر او مردی متدین بود و از شمار کسانی محسوب می شد که غذا را برای تقویت نیروی جسمانی و آماده شدن جهت سوار کاری و تیراندازی خوب می خوردند . در نتیجه هیئت و قدرت آنان در میان مردم بیش از ثروت و مال تجلی می نمود . شیخ قرآن را در ازگاه خویش آموخت . سپس به شهر طنظاره رفت و در انجمن دینی خودی فرا گرفتن آنرا تکمیل نمود ولی در اثر عواملی از ادامه تحصیل باز ماند و به تولدش برگشت و در آنجا مشغول کشاورزی شد و در همانجا متاهل گردید و پس از مدتی به جامع ازهر رفت و از آنجا با مردان دین از جمله جمال الدین اسد آبادی آشنا گردید . در جامع ازهر رساله واردات را درباراه آصف نوشت و شروع به نگارش مقالات سومنندی در روزنامه مصر کرد .

کم کم توجه مردم به سوی او جلب شد و دومین شخصیت بحیره یا به جهان هستی گذاشت. پدر او مردی متدین بود و از شمار کسانی محسوب می شد که غذا را برای تقویت نیروی جسمانی و آماده شدن جهت سوار کاری و تیراندازی خوب می خوردند . در نتیجه هیئت و قدرت آنان در میان مردم بیش از ثروت و مال تجلی می نمود . شیخ قرآن را در ازگاه خویش آموخت . سپس به شهر طنظاره رفت و در انجمن دینی خودی فرا گرفتن آنرا تکمیل نمود ولی در اثر عواملی از ادامه تحصیل باز ماند و به تولدش برگشت و در آنجا مشغول کشاورزی شد و در همانجا متاهل گردید و پس از مدتی به جامع ازهر رفت و از آنجا با مردان دین از جمله جمال الدین اسد آبادی آشنا گردید . در جامع ازهر رساله واردات را درباراه آصف نوشت و شروع به نگارش مقالات سومنندی در روزنامه مصر کرد .

کم کم توجه مردم به سوی او جلب شد و دومین شخصیت بحیره یا به جهان هستی گذاشت. پدر او مردی متدین بود و از شمار کسانی محسوب می شد که غذا را برای تقویت نیروی جسمانی و آماده شدن جهت سوار کاری و تیراندازی خوب می خوردند . در نتیجه هیئت و قدرت آنان در میان مردم بیش از ثروت و مال تجلی می نمود . شیخ قرآن را در ازگاه خویش آموخت . سپس به شهر طنظاره رفت و در انجمن دینی خودی فرا گرفتن آنرا تکمیل نمود ولی در اثر عواملی از ادامه تحصیل باز ماند و به تولدش برگشت و در آنجا مشغول کشاورزی شد و در همانجا متاهل گردید و پس از مدتی به جامع ازهر رفت و از آنجا با مردان دین از جمله جمال الدین اسد آبادی آشنا گردید . در جامع ازهر رساله واردات را درباراه آصف نوشت و شروع به نگارش مقالات سومنندی در روزنامه مصر کرد .



تضمین سلامتی و رشد کامل برای کودکان با مصرف آبزیان

بهرتر میسر است

- روابط عمومی اداره کل شیلات هر مزگان

خیاط کلاسیک

طراحی و دوخت شیک ترین البسه مردانه

عرضه پوشاک مردانه فنی و اداری

کت شلوار پیراهن

تلفن:۰۷۶۱۲۳۳۱۳۱۵

تلفن:۰۹۳۶۹۶۷۳۴۳

فلکه برقی پاساژ امام رضا (ع)

جنب دبیرستان دخترانه زینب کبری

موسسه خدمات مالی و حسابرسی سیستم حساب خلیج فارس
شماره ثبت ۴۶۴
زیر دست ۰۹۱۷۳۶۷۴۷۸۹

۱-انجام خدمات حسابداری

۲- مشاوره مالیاتی و بیمه ای

۳- تحریر دفاتر قانونی

۴-تهیه صورتهای مالی

۵-طراحی سیستم کنترل داخلي

۶- بازرسی قانونی